

Manifestation of the Participation Right of Non-Governmental Organizations (NGOs) with a Focus on Decentralization for Environmental Protection in the Iranian Legal System

Atieyeh Khakshoorniya* and Mohammad Jalali**

Research Article	Receive Date: 2024.12.08	Accept Date: 2025.03.17	Online Publication Date: 2025.03.17	Page: 273-305
------------------	-----------------------------	----------------------------	--	---------------

Today, one of the fundamental concerns of the global community is the issue of environmental protection, where the expansion of science and technology and, consequently, industry, despite providing comfort and welfare for humans, has brought about pollution, damage, and the creation of environmental crises—an environment which, as the bedrock of social, economic, and political life, is a prerequisite for the continuity of every human being's life, in which one must live in a suitable, safe, and disease-and-pollution-free manner. The increase in environmental instability and threats has forced mankind to seek solutions for the continuation of their existence. Today, numerous methods are proposed for confronting environmental crises and improving the situation, among which decentralization using the capacity of environmental Non-Governmental Organizations (NGOs) is an approach that is low-cost, inclusive, and possesses high social acceptability, which can be considered a suitable platform for protecting the country's environment with extensive government support. In the Iranian legal system, the role of these organizations as local institutions is undeniable, and suitable platforms must be provided for the active participation of these actors in environmental litigation. This article, using a descriptive-analytical method, focuses on the fact that by relying on decentralization and participatory management, while examining the legal capacities presented in the form of "public duty" and the role of non-governmental actors in the Constitution, whether citizens and NGOs can seek justice in judicial courts if they suffer from environmental violations or not. The most important finding of this research is the foundation of the system of environmental rights on participatory local democracy. Therefore, by resorting to the solution of decentralization, one can benefit from public participation in the form of utilizing NGOs and other social institutions, and by resorting to methods such as "enjoining good," judicial authorities, and methods of referral to criminal courts, desired goals can be achieved and the principles and foundations of participatory local democracy in environmental protection can be attained from various aspects.

Keywords: *Decentralization; Non-Governmental Organizations (NGOs); Public Organizations; Environment; Judicial Proceedings; Litigation; Filing a Lawsuit*

* Public Law, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;
Email: a.khakshoorniya@iaui.ac.ir

** Associate Professor, Department of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
(Corresponding Author); Email: m_jalali@sbs.ac.ir

Majlis and Rahbord, Volume 33, No. 126, Summer 2026

How to cite this article: Khakshoorniya, A. and M. Jalali. (2026). "Manifestation of the Participation Right of Non-Governmental Organizations (NGOs) with a Focus on Decentralization for Environmental Protection in the Iranian Legal System", *Majlis and Rahbord*, 33(126), p. 273-305.

doi: 10.22034/mr.2025.17391.5932

تبلور حق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد با محوریت تمرکززدایی در راستای حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران

عطیه خاکشورنیا* و محمد جلالی**

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷	تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷	شماره صفحه: ۳۰۵-۲۷۳
-------------------	--------------------------	-------------------------	--------------------------	---------------------

امروزه یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی بحث حفاظت از محیط زیست است که گسترش علم و فناوری و به تبع آن صنعت، با وجود اعطای آسایش و رفاه برای انسان‌ها؛ آلودگی، آسیب و بحران در محیط زیست را به همراه داشته است. محیطی که به مثابه بستر حیات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، لازمه تداوم حیات هر انسان است که باید در آن به نحوی مناسب، ایمن، عاری از بیماری و آلودگی زیست کند. افزایش ناپایداری و تهدیدهای زیست‌محیطی، بشر را ناگزیر کرده که برای استمرار حیات خویش چاره‌اندیشی کند. در حال حاضر شیوه‌های متعددی برای رویارویی با بحران‌های محیط زیست و بهبود وضعیت، مطرح می‌شود که در این میان تمرکززدایی با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی رویکردی است کم‌هزینه، فراگیر و با مقبولیت اجتماعی بالا که می‌تواند با حمایت‌های گسترده دولت، بستری مناسب برای حفاظت از محیط زیست کشور قلمداد شود. در نظام حقوقی ایران، نقش این سازمان‌ها به عنوان نهادهای محلی انکارناپذیر است و باید بستر مناسبی برای مشارکت فعالانه این بازیگران در دادخواهی زیست‌محیطی فراهم شود. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی بر این امر متمرکز می‌شود که با تکیه بر تمرکززدایی و مدیریت مشارکتی، ضمن بررسی ظرفیت‌های قانونی که در قالب «تکلیف عمومی»، نقش بازیگران غیردولتی در قانون اساسی مطرح شده است؛ در صورتی که شهروندان و سمن‌ها از وقوع تخلفات زیست‌محیطی متضرر شوند، آیا می‌توانند در محاکم قضایی دادخواهی کنند یا خیر؟

مهم‌ترین یافته این پژوهش، ابتدای نظام حق‌های زیست‌محیطی بر دموکراسی محلی مشارکتی است. از این رو، با توسل به راهکار تمرکززدایی می‌توان از مشارکت همگانی در قالب استفاده از سمن‌ها و نهادهای اجتماعی دیگر بهره‌مند شد و با توسل به شیوه‌هایی از قبیل امر به معروف، مراجع قضایی و شیوه‌های ارجاع به محاکم کیفری استفاده کرد تا به اهداف مطلوب رسید و از جهات گوناگون به اصول و پایه‌های دموکراسی محلی مشارکتی در حفاظت از محیط زیست دست یافت.

کلیدواژه‌ها: تمرکززدایی؛ سازمان‌های مردم‌نهاد؛ سازمان‌های عمومی؛ محیط زیست؛ رسیدگی قضایی؛ دادخواهی؛ طرح دعوا

* گروه حقوق عمومی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

Email: a.khakshoorniya@iau.ir

** دانشیار، گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m_jalali@sbu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و سوم، شماره یکصد و بیست و ششم، تابستان ۱۴۰۵

روش استناد به این مقاله: خاکشورنیا، عطیه و محمد جلالی (۱۴۰۵). «تبلور حق مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد با محوریت تمرکززدایی در راستای حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران»، مجلس و راهبرد، ۳۳(۱۲۶)، ص. ۲۷۳-۳۰۵.

doi: 10.22034/mr.2025.17391.5932

مقدمه

امروزه حفاظت از محیط زیست یکی از دغدغه‌های اساسی جامعه جهانی است که در قالب «حق بر محیط زیست سالم»^۱ در عرض ارزش‌های بنیادینی همچون «حق حیات»^۲ و «حق بر سلامتی»^۳ مورد توجه و پذیرش کشورهای مختلف قرار گرفته است؛ به‌نحوی که در قانون اساسی بالغ بر ۱۱۰ کشور، حق بر محیط زیست سالم یا ضرورت حفاظت از محیط زیست تأکید شده است (مشهدی، ۱۳۹۲: ۷۷-۷۶) و همچنین انعکاس این مسئله در بالغ بر هزار سند مختلف بین‌المللی^۴ گواه این مدعاست (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۶۲). اهمیت این مسئله به اندازه‌ای است که در تعریف مرکز توسعه سازمان ملل متحد از امنیت انسانی که معادل «رهایی از ترس»^۵ و «رهایی از نیاز»^۶ دانسته شده، هفت شاخص^۷ مورد بررسی قرار گرفته که یکی از این موارد امنیت زیست‌محیطی است (رهامی، ۱۳۹۳: ۱۳). بدین‌منظور موضوع برخورداری از محیط زیست سالم در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی کشور، منعکس شده و تنها با پیروزی انقلاب اسلامی و مشخصاً با تصویب اصل پنجاهم قانون اساسی بود که موضوع برخورداری از محیط زیست سالم با اجماع اعضای خبرگان قانون اساسی و بدون مخالفت به تصویب رسیده است.^۸ (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۲۱۱). براساس این

1. Right to Healthy Environment

2. Right to Life

3. Right to Health

۴. این اسناد اعم از معاهدات بین‌المللی چندجانبه یا دوجانبه، قطعنامه‌های الزام‌آور و قطعنامه‌های غیرالزام‌آور است (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۲۲). از جمله این اسناد می‌توان به اعلامیه محیط زیست انسانی استکهلم (۱۹۷۲)، اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو (۱۹۹۲)، اعلامیه توسعه پایدار ژوهانسبرگ (۲۰۰۲)، منشور جهانی طبیعت (۱۹۸۲)، کنوانسیون بازل درخصوص کنترل انتقالات فرامرزی مواد زائد زیان‌بار و دفع آنها (۱۹۸۹)، کنوانسیون تغییرات اقلیمی (۱۹۹۲)، کنوانسیون رامسر درخصوص تالاب‌های مهم بین‌المللی به‌ویژه زیستگاه پرندگان آبی (۱۹۷۱)، کنوانسیون تنوع زیستی (۱۹۹۲) و کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲) اشاره کرد.

5. Freedom From Fear

6. Freedom From Want

۷. هفت شاخص امنیت انسانی عبارتند از: امنیت شخصی، قضایی، بهداشتی، زیست‌محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی.
۸. آخرین اصلی که در جلسه ۵۴ مجلس بررسی نهایی قانون اساسی تصویب شد، اصل پنجاهم قانون اساسی بود. این

اصل: «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». از این رو، سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهای واسطه در ایجاد عزم عمومی، برای پیگیری موضوع‌های مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی یک ظرفیت بی‌نظیر محسوب می‌شوند که با سرمایه خود و براساس انگیزه مردمی اقدام می‌کنند و لازمه ایفای نقش سمن‌ها آن است که موانع فعالیتشان برطرف شود که مهم‌ترین آن عدم مقبولیت و باور آنها در گفتمان دولت است (Chackawarika, 2011: 27).

براساس آنچه گفته شد، نظارت مردمی از اصول دموکراسی در سطح محلی بوده که با نظارت مردم محل بر مقامات محلی شناخته می‌شود. طبق این اصل، به مردم محلی حق می‌دهد که بر تصمیمات عمومی و همچنین تصمیماتی که مقامات اتخاذ می‌کنند نظارت و قدرت فائقه داشته باشند. به طوری که مردم محل برای اینکه در جریان تصمیمات مقامات عمومی محلی قرار گیرند، یکسان و برابرند و هیچ‌یک بر دیگری تفوق ندارند (Beetham, 1994: 2). به نظر می‌رسد تمرکززدایی مبتنی بر افزایش نقش مدیریت‌های محلی، به‌ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد همچون مقوله‌هایی نظیر دموکراسی، ثبات سیاسی، حقوق بشر و ... که معیارهایی برای سنجش حکمرانی خوب^۱ است، در کانون توجه افکار عمومی و مورد نظر حکومت‌ها قرار گرفته است. به عبارت دیگر، تصمیم‌گیری باید در نزدیکی محل مورد نظر گرفته شود تا به مقابله درست و مؤثر با شرایط محلی قادر باشد (Ioan-Franca, and Risteab, 2015: 5). یافته‌های مطالعاتی و تحلیل‌ها نشان داده است که سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در برجسته کردن مخاطرات ناشی از تغییرات آب و هوایی در میان

← اصل بدون هیچ‌گونه رأی مخالف یا ممتنع و با رأی موافق همه اعضای حاضران در جلسه (۶۴ نفر) تصویب شد (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۲۱۱).

دولت‌ها و مردم تأثیری چشمگیر دارند، به‌گونه‌ای که در تفهیم و انتقال حقایق علمی درباره مسائل زیست‌محیطی به زبانی قابل فهم برای دولت‌مردان و مردم محلی درخور توجه است و درنهایت، برای چاره‌اندیشی مشکلات زیست‌محیطی تلاش در ایفای نقش می‌کنند (Dalmedico and Buffet, 2009: 27, 29). براساس آنچه گفته شد حفاظت از همه حوزه‌های مختلف محیط زیست باید با مشارکت همه بخش‌های جامعه صورت پذیرد و حفاظت از محیط زیست بدون مشارکت همه بخش‌ها محقق نخواهد شد. طبق اصل ۱۰ اعلامیه ریو، لازم است مسائل مربوط به محیط زیست با مشارکت همه شهروندان ذی‌ربط در سطحی مطلوب مورد بررسی قرار گیرد. در سطح محلی، هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی محیط زیست در اختیار دارند، ازجمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه دسترسی داشته باشند و در روند اتخاذ تصمیمات مشارکت کنند و همچنین، با توجه به تعریف جرائم زیست‌محیطی «هرگونه ایراد خسارت نسبت به اجزای جاندار و غیرجاندار اکوسیستم جرم زیست‌محیطی قلمداد می‌شود اعم از آنکه در قالب تخریب و یا آلودگی باشد و بایستی مرتکب یا مرتکبان برابر ضوابط و مقررات قانونی موجود به مجازات و یا سایر پاسخ‌هایی که در این‌باره پیش‌بینی و مقرر گردیده است، برسند» (قاسمی، ۱۳۸۴: ۵۹-۵۸)؛ در پیشگیری از این جرائم، نقش مؤثری ایفا کنند.

شایان ذکر است بدون شک تحقیق در این حوزه، همچون حلقه‌ای کوچک متکی بر سلسله‌آثاری است که پیش از آن نگاشته شده است. در این حوزه، مطالعاتی درباره سازمان‌های مردم‌نهاد و ارتباط آنها با محیط زیست انجام شده است به‌طوری‌که در تحقیق محمدی «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری و مبارزه با جرائم حوزه محیط زیست»، فریادی در مقاله‌های «آسیب‌شناسی همکاری میان سازمانی در حفاظت محیط زیست در حقوق اداری ایران» و «مبنای اکولوژیک اصل عمومی بودن وظیفه حفاظت از محیط زیست»، مطالعه رضانی قوام‌آبادی با عنوان «حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»؛ یا

پژوهش مشهدی «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی» اشاراتی به حفاظت از محیط زیست شده است. به این ترتیب، تاحدی که نگارندگان این پژوهش در نوشته‌های فارسی کاوش داشتند، مطالعه‌ای درخصوص تحلیل خاص جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد با محوریت تمرکززدایی و اهمیت نهضت عدم تراکم در کاهش آسیب‌ها و جرائم زیست‌محیطی یافت نشد. بنابراین در این تحقیق ابتدا تمرکززدایی به عنوان تحقق دموکراسی محلی را مطرح کرده، سپس مؤلفه‌های اصل مشارکت مردمی به منظور اقدام‌های پیشگیرانه در جرائم زیست‌محیطی و نهایتاً موضوع حفاظت از محیط زیست به عنوان «وظیفه عمومی» و نقش جوامع محلی از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد مصرح در قانون اساسی، برای نیل به تمرکززدایی و حفاظت از محیط زیست در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر و نیز امکان اقامه دعوا توسط آنها؛ مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

در این راستا، این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که وضعیت نظام حقوقی محیط زیست در راستای یکپارچگی نهادی و مشارکت‌جویی محلی، چگونه است و به‌راستی سازمان‌های مردم‌نهاد تاکنون در حیطه حفاظت از محیط زیست، چه نقش و جایگاهی داشته‌اند و به لحاظ قانونی تا چه حد قابلیت مداخله در مدیریت حفظ محیط زیست و اقدام‌های پیشگیرانه در مقابله با جرائم زیست‌محیطی وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش، تلاش می‌شود با استفاده از این رهیافت‌ها در توصیف و ساختار و کارکرد سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان نهادهای محلی، ارتباط میان آنها و حقوق محیط زیست شناسایی شده و مهم‌ترین دستاورد حاصل از این ارتباط یعنی نقش مشارکتی این سازمان‌ها در پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی، تبیین شود. امید است واکاوی این مبانی گامی در جهت فرهنگ حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد و رعایت حقوق زیست‌محیطی باشد.

۱. تمرکززدایی، تحولی بنیادین در سیاست‌های زیست‌محیطی

بخش عمده تمرکززدایی^۱ در مدیریت شهری به انتقال مسئولیت اداره شهر به واحدهایی مربوط می‌شود که منتخب مردم است؛ انتخابی بودن مقامات محلی و تفویض اختیارات به سازمان‌ها و نهادهای محلی ازجمله تمهیداتی است در جهت کاستن از تمرکز. گسترش دامنه انتخابی بودن رهبران محلی، ازجمله شوراها، شهرداری‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و افزایش حیطه اختیارات آنها، از مظاهر بااهمیت تمرکززدایی است (سعیدی، ۱۳۸۷). گفتنی است، حکومت خوب محلی، نزدیک‌ترین، واقعی‌ترین و مردمی‌ترین مصداق حکمروایی خوب است که هم مشارکت مردم در آن واقعی، هم نظارت در آن عینی و ملموس است و هم زمینه‌ساز و شکل‌دهنده فرهنگ مردم‌سالاری و حکمروایی خوب در سطح ملی است (همتی، ۱۳۹۶). امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش چشمگیری دارند و حضور این سازمان‌ها می‌تواند ضمن تضمین مشارکت مردم، بر تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های کشور مؤثر واقع شود. پس نکته مهم آن است که عدم تمرکزگرایی حضور دولت در فعالیت‌های مختلف و اعتقاد به مشارکت عمومی، از مهم‌ترین شرایط جهت استفاده از نظرها و اندیشه‌های مردمی است (کوشکی، ۱۳۹۲).

یکی از بنیادی‌ترین تحولات در نحوه اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی، اقدام‌های مأموران در سطح محلی است و دولت با مأموران محلی خود به نوعی توانسته به نهضت عدم تراکم در زمینه محیط زیست دست یابد. شایان ذکر است، یک تراکم‌زدایی و تمرکززدایی اصولی باید اهداف مهمی چون مسئولیت‌پذیری اجتماعات محلی، افزایش مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی‌های محیط زیستی، تخصیص امکانات و ... را در پی داشته باشد و ازطرف دیگر حقوق بنیادین مصرح افراد در قوانین، به‌خصوص قانون اساسی را در مورد حقوق شهروندی تضمین

1. Decentralization

برای مطالعه بیشتر درخصوص تمرکززدایی نک. جلالی، ۱۳۹۴: ۷۱-۱۰۰ و جلالی، ۱۳۹۱: ۲۷۵ به بعد.

کند (زرشکی و جلالی، ۱۳۹۶). متأسفانه امروزه شاهد این هستیم که در موضوع حفاظت محیط زیست نبود رویکردهای مبتنی بر «همکاری» میان بخش‌های مختلف و مشارکت مردم در حفظ محیط زیست باعث شده است رویکردها در این حوزه بیشتر مبتنی بر رویکرد فرمان و کنترل باشد. امروزه سازمان‌های اداره حافظ محیط زیست و قانونگذاران دریافته‌اند که تضمین بهره‌مندی انسان‌ها از حق بر محیط زیست سالم منوط به دست شستن از سیاست‌های منفعت‌طلبانه، تک سوانگاران، مبتنی بر فرمان و کنترل و غیرمشارکتی است. شناسایی لزوم نظارت همگانی بر وضعیت حق بر محیط زیست سالم در کشور، امکان مشارکت مردم در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی، دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی، جوامع محلی و نهادهای مبتنی بر عدم تمرکز از ویژگی‌ها تمرکززدایی و رویکرد مشارکتی است (مشهدی، ۱۳۹۰).

بنابراین در بسیاری از موارد ثابت شده است که تحقق اهداف زیست‌محیطی مستلزم یک خردجمعی فراگیر و به دور از حاشیه‌های سیاسی است، به این ترتیب زمانی که قدرت سیاسی این نقش اساسی را در حوزه حقوق محیط زیست رعایت نکرده رابطه اعتمادی که ریشه هر «زیست‌جمعی» است از بین رفته و همچنین احساس ناامنی و سست شدن اعتبار و مشروعیت قدرت سیاسی افزایش یافته است. اثربخشی این رویکرد مشارکتی زمانی ظهور و بروز می‌کند که بتواند بی‌طرفانه منافع محلی را با سیاست‌های ملی آشتی دهد. امروزه اجرایی شدن حق بر محیط زیست و سیاست‌های آن نیازمند توجه به رویکردهای همکاری‌گرایانه میان شهروندان و دولت است. دولت‌مردان در همه جوامع از جمله جمهوری اسلامی ایران، به رغم فعال بودن نهادهای محلی از جمله سازمان‌های مردم‌نهاد در بسیاری از زمینه‌ها به خصوص محیط زیست تا حد مقدرات به تأسیس و تقویت این گونه سازمان‌های غیردولتی همت گمارده‌اند.

توجه به این نکته حائز اهمیت فراوان است که مقامات محلی به عنوان منحصربه‌فرد برای تعیین چشم‌انداز و رهبری جوامع محلی ایجاد شده‌اند و طیف گسترده مسئولیت‌ها و ارتباطات آنها نشان‌دهنده نقش بسیار مهم آنها در محیط

زیست است (رمضانی قوام‌آبادی، یآوری و احمدی، ۱۳۹۸). آنها می‌توانند در زمینه کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای اقدام‌های مورد نیاز را انجام داده و با همکاری جوامع محلی، مرکزی برای تلاش در انطباق با اثرات تغییرات اقلیمی باشند (Bulkeley and Betsill, 2005: 3). به عبارت دیگر، زمانی سیاست‌های محیط زیستی کارآمدی خود را نشان می‌دهد که مشارکت و مداخله مردم به صورت حقیقی و حقوقی به رسمیت شناخته شود (پرهیزکار و فیروزبخت، ۱۳۹۰: ۵). همچنین، توجه ویژه به جلب همکاری گسترده سازمان‌های مردم‌نهاد و مشارکت‌های مردمی برای حفظ محیط زیست از اهمیت برخوردار باشد.

۱-۱. اهمیت شناسایی جرائم زیست‌محیطی در پرتو اصل مشارکت مردمی

تاکنون مفهومی مشخص، جامع و مانع از حق بر محیط زیست و تعریفی مقبول که مورد پذیرش همگان باشد، ارائه نشده است. بنابراین با توجه به اختلاف‌های نظری که در خصوص این حق وجود دارد، اکثر نوشته‌های موجود از ارائه تعریفی مشخص برای آن اجتناب کرده‌اند یا با برخی مناقشات نظری مواجه است (پارسا، ۱۳۷۷). اسناد فراملی و بین‌المللی، تعریف مشخصی از این حق ارائه نکرده‌اند. با این وجود مواد (۱۴) و (۱۵) پیش‌نویس سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی^۱ تا حدودی حق بر محیط زیست را تبیین کرده است:

ماده ۱۴- هر انسان و کلیه انسان‌ها به صورت گروهی حق دارند از محیط زیست سالم و متعادل از نظر زیست‌محیطی و مساعد برای توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقوقی برخوردار گردند.

ماده ۱۵- دولت‌های عضو متعهد می‌گردند که شرایط طبیعی حیات را دچار تغییرات نامساعدی ننمایند که به سلامت انسان و همزیستی جمعی صدمه وارد کند. صدمه‌ای که برای توسعه جمعی ضروری باشد و راهی برای اجتناب از آن وجود نداشته باشد، قابل قبول محسوب می‌گردد.

1. <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/EPLP-031-rev4.pdf>.

با توجه به ماده (۱۴) باید بررسی شود که مراد از حق بر محیط زیست چیست و محتوای آن دربردارنده چه کیفیتی از محیط زیست است.

مؤلفه‌های اصل مشارکت حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی و مشارکت عموم در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و دسترسی و توسل به مراجع اداری و قضایی در حوزه محیط زیست تقسیم می‌شود. به دلیل اهمیت این مؤلفه‌ها برای تحقق اصل مشارکت زیست‌محیطی، در ادامه به تحلیل هریک از آنها پرداخته می‌شود:

۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی،
۲. حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی،
۳. حق دادخواهی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی (افتخار جهرمی، ۱۳۸۲).

۱-۱-۱. حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

باید توجه داشت که با پیشرفت فناوری و اقتصادی از یک سو و نیاز به محیط زیست سالم از سوی دیگر، بحث اطلاعات در زمینه محیط زیست بسیار مهم و حیاتی بوده و بدیهی است که حق برخورداری از اطلاعات درباره محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند، یکی از حقوق اصلی و لازم برای ادامه زندگی سالم است. مبنای موجه شناسایی این حق برای شهروندان این امر مهم است که قرار دادن یا دستیابی شهروندان به اطلاعات در خصوص وضعیت محیط زیست، عوامل تخریب و خطرات احتمالی می‌تواند به پیشگیری از مخاطرات و کاستن از عواقب حوادث آلودگی منجر شود (مشهدی، ۱۳۹۰). به طوری که «در واقع هر فردی جدا از دولت مراقب حفاظت از محیط زیست باشد» (ویژه، ۱۳۸۵). انسان با دارا بودن اطلاعات کافی، بهتر می‌تواند برای زندگی خویش از حیث سلامتی برنامه‌ریزی لازم را ترتیب دهد. لذا، اجرای این اصل منوط است به اینکه اطلاعات مربوط به وضعیت محیط زیست و طرح‌هایی که برای محیط زیست خطرناک است، در اختیار عموم قرار گیرد (همان: ۸۰). بر این اساس، ایفای تعهدات شهروندان برای دستیابی به حق داشتن محیط زیست سالم

هنگامی ممکن می‌شود که از اطلاعات کافی برخوردار باشند. شایان ذکر است، حق برخورداری از محیط زیست مانند سایر حقوق صرفاً حق برای شهروندان نبوده بلکه با الزامات و تکالیفی برای ایشان ملازمه دارد (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۷).

در سطح بین‌المللی نیز ماده (۱۹) اعلامیه حقوق بشر سال ۱۹۴۸ به آزادی تبادل اطلاعات اشاره شده است. در سال ۱۹۶۰ نیز طرح معاهده‌ای در مورد «آزادی اطلاعات، حق بنیادین انسان» تهیه شد. این مطلب نیز در ماده (۱۰) اعلامیه ریودوژانیرو درخصوص محیط زیست و اسناد مربوط به اصول راهبردی صوفیا بلغارستان و کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط زیست مصوب ۱۹۸۸ دانمارک، مورد تأکید قرار گرفته است (فیروزی، ۱۳۸۴: ۵۹).

۲-۱-۱. حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی

باید توجه داشت که محور اصل مشارکت زیست‌محیطی معطوف به بازیگران غیردولتی است و بدون دخالت ایشان عملاً این اصل مفهوم خود را از دست خواهد داد. پس در مسیر شناخت حق مشارکت، باید به تبیین این مفهوم پرداخته شود. مشارکت واژه‌ای است که به قدمت تاریخ بشر پیشینه دارد و در بطن هر جامعه در قالب مفاهیمی مانند همبستگی، اتحاد، همکاری انجمن و مانند آن نهفته است. مشارکت شهروندی به‌طور معمول عنصری ارزشمند در توسعه مردم‌سالاری و تصمیم‌گیری دموکراتیک محسوب می‌شود (احمدی تنکابنی، شیخ‌الاسلامی کندلوسی و احمدی، ۱۴۰۱). بنابراین، به‌منظور نیل به اهداف راهبردهای توسعه محیط زیست، اعتقاد به لزوم شرکت فعال گروه‌های وسیع جامعه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است (غفاری و نیازی، ۱۳۸۵: ۷۵). طبق اصل حفاظت از محیط زیست که در اعلامیه ۱۹۷۲ استکهلم مطرح شد به‌عنوان یکی از اصول اساسی حقوق بشر، مردم حق دارند و باید اطلاعات زیست‌محیطی و توسعه که در اختیار

مقامات دولتی است در اختیار داشته باشند، این اطلاعات شامل داده‌ها و فعالیت‌هایی است که احتمال دارد تأثیر مهمی در حفظ محیط زیست گذارد (گل‌محمدی و یوسفی، ۱۳۸۸).

حفظ محیط زیست بدون مشارکت همگانی مردم امکان‌پذیر نیست. مشارکت اجتماعی یک دادوستد اجتماعی دوسویه میان مردم است و زمانی محقق می‌شود که بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی جایش را به احساس وابستگی، هم‌سرنوشتی و مسئولیت دهد. هرگاه افراد فرصت بیان اندیشه‌های خود را بیابند و در تصمیمی که بر سرنوشت آنان اثر می‌گذارد، شریک شوند نوآفرینی و آفرینندگی بیشتر از خود نشان می‌دهند و مسئولیت بیشتری را می‌پذیرند (جمالی و خسروی‌پور، ۱۳۹۵). مشارکت شهروندان در حفاظت محیط زیست به دلیل تفاوت در شخصیت و تفکر به طرق مختلف انجام می‌گیرد و موجب اقدام‌هایی مانند کاهش مصرف و بهینه‌سازی، تفکیک مواد زاید، کنترل آلاینده‌های واحدهای صنعتی، خانگی و غیره می‌شود (محمودی و ویسی، ۱۳۸۴). از این رو، اطلاع‌رسانی و آموزش مبانی محیط زیست به شهروندان و فرهنگ‌سازی حفاظت از آن برای اقشار مختلف جامعه و حساس کردن افکار عمومی در مقابل این جفای انسان به طبیعت، یکی از کارآمدترین روش‌ها برای پیشگیری است. تغییر نگرش، سبک زندگی و تغییر رفتار ما با محیط زیست می‌تواند از روند تخریب روزافزون محیط زیست بکاهد (ناصری، ۱۳۹۲). به موجب این حق هر شخصی می‌تواند با رعایت مقررات فردی یا به همراه دیگران در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی مشارکت داشته باشد. این حق ناظر بر اصل مشارکت عمومی هم در تصمیم‌گیری‌ها و هم در اجرای هنجارهای زیست‌محیطی است.

۳-۱-۱. حق دادخواهی

در راستای شناسایی و تبیین این حق، باید گفت مشارکت شهروندان در حفاظت محیط زیست در موارد مشخص و معین تحقق واقعی حق بر محیط زیست است و این مشارکت به آنها امکان می‌دهد حقوقی را که از آن منتفع هستند استیفا و

درعین حال تعهداتی که در این زمینه برعهده دارند، حداقل تاحدودی ایفا کنند (امیرارجمند، ۱۳۷۳: ۳۵). دادخواهی زیست‌محیطی یکی از اجزای طبیعی حق بر محیط زیست سالم است، حتی که به همه شهروندان اجازه می‌دهد نسبت به موارد تخریب یا آلودگی محیط زیست که موجبات خسارت و ضرر شخصی و فردی مستقیم را فراهم کرده‌اند، برای نفع عمومی اقامه دعوا کنند؛ حضور نهادهای مدنی و تشکلهای در عرصه مزبور جلوه بارزی از این دادخواهی است (گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۹: ۲۹۹). در این میان، تشکل جمعی افراد در قالب نهادهای مدنی، بدون شک جلوه بارزی از این دادخواهی است که در کشورهای مختلف نیز اغلب مورد حمایت قرار گرفته و بسترهای لازم بدین‌منظور در سیستم قضایی‌شان ایجاد شده است.^۱ لذا، لزوم دسترسی شهروندان و سازمان‌های محیط زیستی به مراجع قضایی از تعهد و مسئولیت اجتماعی همگانی به حفاظت از محیط زیست نشئت می‌گیرد، چراکه سازمان‌های مذکور به‌دلیل برخورداری از تخصص و به سبب آنکه حلقه ارتباطی میان شهروندان و نهادهای حاکمیتی هستند می‌توانند در پیگیری‌های قضایی نقش بسزایی ایفا کنند (رمضانی قوام‌آبادی و جوادمنش، ۱۳۹۵). علاوه بر این، مطابق این قاعده رسیدگی به دعوا در دادگاه منوط به آن است که خواهان نفع کافی یا شخصی خود را به دادگاه نشان داده و ثابت کند که آسیب مشخص و قابل انتساب از رفتار خوانده به خواهان وارد شده است (جم، ۱۳۸۷).

۲. اهمیت گفتمان حفاظت از محیط زیست توسط سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم و پنجاهم قانون اساسی

۲-۱. اساسی‌سازی حقوق محیط زیست در حقوق اساسی

چرخه سیاستگذاری عمومی حول محور «مسائل عمومی» شکل می‌گیرد. به بیان

۱. به‌عنوان نمونه، در مورد فراز و فرود حق دادخواهی زیست‌محیطی در حقوق آمریکا نک. جم، ۱۳۸۷: ۹۶-۸۱.

دیگر، کارکرد اصیل سیاستگذاری، حل مشکلاتی است که واجد وصف عمومی باشد؛ در این بین، محیط زیست به عنوان یکی از نیازهای عمومی همواره در سیاستگذاری سیاسی دولت‌ها قرار داشته است (رضایی و رضوانی فر، ۱۳۹۸). پیش‌زمینه تدوین دستور کار سیاستگذاری عمومی در حوزه محیط زیست، تئوریزه کردن حق زیست‌محیطی در نظام حقوقی است (هداوند، ۱۳۹۳، ج ۲: ۴۷۵). معادله محیط زیست در کشوری چون ایران همواره محل مناقشه است؛ محیط زیست در نظام حقوقی ایران بین دو مسئله یعنی محیط زیست به مثابه ارزش ذاتی و محیط زیست به عنوان کالای اقتصادی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است (رضوانی فر، ۱۳۹۳)؛ بهترین مصداق این ادعا، گزارش عملکرد بخش محیط زیست در برنامه‌های توسعه چهارم و پنجم توسعه است.^۱

۱-۱-۲. برداشت ماهوی اصل پنجاهم در بستر قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حفظ محیط زیست و همچنین مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی، در اصل پنجاهم قانون اساسی یک وظیفه عمومی تلقی شده است که نهادهای حاکمیتی می‌توانند با تمسک به این اصل و تفسیر آن به تضمین بهره‌مندی شهروندان از محیط زیست سالم مبادرت ورزند؛ چراکه «تکالیف به خاطر منافع مهمی است که هریک از افراد انسانی نسبت به آنها حقوقی دارند؛ افراد حق دارند ابزار و وسیله ایفای تکلیف خود را تحصیل کنند و رابطه حقوق با تکالیف همانند رابطه منافع با مشقت‌هاست و چون مشقت‌ها برای منافع است، تکالیف نیز به دلیل حقوق بوده و از نظر توجیه‌گیری مؤخر بر حقوق است» (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴). طبق اصل مذکور، قانون اساسی ایران تکلیف حمایت و حفاظت از محیط زیست را برعهده «عموم» گذارده است. بنابراین حفظ محیط زیست وظیفه‌ای عمومی است که شامل شهروندان نیز می‌شود (کیال و کیال،

۱. مستند به بررسی‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی:

۱۳۸۳). ضمن اینکه فعالیتهایی که موجبات آلودگی یا تخریب و نابودی محیط زیست را فراهم آورد، ممنوع شده است. به موجب این اصل همه مردم ایران موظفند برای حفاظت و حمایت از محیط زیست خود اقدام کنند؛ بر این اساس، تأسیس و شرکت در سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی و عضویت در آنها، می‌تواند در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی و در جهت حفظ محیط زیست و توسعه پایدار تلقی شود^۱ (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰).

ماهیت حفاظت از محیط زیست و نحوه صورت‌بندی و توزیع تکلیف به حفاظت، میان بازیگران دولتی و غیردولتی، همواره محل بحث و مناقشه سیاست‌های زیست‌محیطی بوده است (مشهدی، ۱۳۹۵). یکی از رویکردهای نوین حقوق محیط زیست، حفاظت فراگیر و مشارکتی از آن است که در اصل پنجاهم قانون اساسی ایران با عنوان عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست تعیین شده است. تصویب قوانین و مقررات متعدد محیط زیستی نیز در دهه‌های اخیر کمک کرده است تا این هنجار بتواند به‌عنوان اصل عمومی بودن حفاظت محیط زیست به‌تدریج در نظام حقوقی تثبیت شود. براساس این اصل حفاظت محیط زیست باید به‌طور یکپارچه و فراگیر با مشارکت همه نهادهای مرتبط انجام شود (فریادی، ۱۳۹۵). بدین‌منظور موضوع برخورداری از محیط زیست سالم در اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین سند قانونی کشور، منعکس شده و با اجماع اعضای خبرگان قانون اساسی و بدون مخالف به تصویب رسیده است (اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۱: ۱۲۱۱). طبق این اصل «در جمهوری اسلامی،

۱. از دو دهه اخیر، ایران شاهد رشد قابل‌توجه کمی و کیفی سازمان‌های غیردولتی بوده است. در این میان سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی رشد کمی قابل‌توجهی داشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که حدود پانصد سازمان غیردولتی در این زمینه وجود دارد که در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی فعالیت دارند.

یکی از عوامل مهم و تعیین‌کننده درخصوص افزایش شمار این سازمان‌ها را باید در رشد و توسعه مردم‌سالاری در جامعه و احترام دولت به حقوق بنیادین افراد در قالب حق تشکیل اجتماعات، مجامع و شرکت در آنها دانست. براساس آخرین آمار ارائه شده سازمان حفاظت محیط زیست در خرداد ماه ۱۳۸۵ در مجموع چهارصدونودودو سازمان غیردولتی زیست‌محیطی در سطح کشور فعالیت می‌کنند. سازمان‌های فعال در سطح تهران و سایر استان‌ها، اسامی، نام مسئول، آدرس و وضعیت ثبت و مرجع ثبت آنها را سازمان مذکور گردآوری کرده و در سایت این سازمان قابل دسترسی است.

حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌شود. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است». عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست اقتضای آن را دارد تا همه نهادهای مرکزی و محلی در سراسر پهنه جغرافیایی کشور در این امر مشارکت مؤثر داشته باشند اما حفاظت محیط زیست طی چندین دهه گسترش آن، همواره یک امر دولتی بوده و نهادهای دولت مرکزی مدیریت کرده است و بسیاری از صلاحیت‌های قانونی حفاظت محیط زیست در نهادهای دولتی مرکزی تجمع یافته است. بنابراین، حفاظت کارآمد از محیط زیست به عنوان یکی از اهداف حاکمیتی دولت و براساس اصل عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست، می‌توان گفت محتوا و ساختار این اصل مبتنی بر ضرورت حفاظت یکپارچه و مشارکتی از محیط زیست است (فریادی، ۱۳۹۵).

۲-۱-۲. تحقق حفاظت از محیط زیست به عنوان تکلیف عمومی

قانون اساسی، حفاظت از محیط زیست را «وظیفه عمومی» تلقی می‌کند. در اصول دیگر قانون اساسی مثل اصل هشتم از واژه «وظیفه همگانی» استفاده شده است و از دیگر زمینه‌های مشارکت عموم مردم می‌توان به این اصل اشاره کرد که بیان می‌دارد: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل برعهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت» (اصل هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در این راستا، در طرح امر به معروف و نهی از منکر که در مورخ ۱۳۸۹/۳/۲ یک فوریت آن به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، یکی از مصادیق آن به موجب بند «۲» ماده (۱۱) این طرح، موضوع حفظ محیط زیست ذکر شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۸۹). همچنین، علاوه بر این باید از نقش برجسته سازمان‌های مردم‌نهاد و توسعه آنها در سال‌های اخیر در این زمینه یاد کرد (میرطاهری، ۱۳۸۷).

در نگاه اول به اصول هشتم و پنجاهم قانون اساسی به این سمت رهنمون می‌شود که اصل هشتم نه‌تنها بر همگانی بودن وظیفه بلکه بر متقابل بودن آن و همچنین بر «دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر» اشاره می‌کند؛ حال آنکه اصل پنجاهم تنها به ذکر وظیفه عمومی اکتفا کرده است. نکته دیگر اینکه اصل هشتم وظیفه همگانی و متقابل را در قالب سه شکل مردم نسبت به مردم، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت لحاظ کرده است؛ درحالی‌که در اصل پنجاهم هیچ‌گونه اشاره‌ای به متقابل بودن وظیفه حفاظت از محیط زیست و مخاطب چنین وظیفه‌ای نمی‌کند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲).

بنابراین طبق اصول بنیادین ذکر شده، ضروری است بدانیم که با توجه به ویژگی‌های ذاتاً فرابخشی محیط زیست، ضرورت حیاتی باید بین دولت و نهادهای محلی ازجمله سازمان‌های مردم‌نهاد تشریک‌مساعی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری وجود داشته باشد، به‌گونه‌ای که تبادل اطلاعات را تسهیل و دسترسی جامع به اطلاعات را تضمین کند. علاوه بر این، شایان ذکر است اصول هشتم و پنجاهم تثبیت شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، به‌عنوان نمایه آشکار این تعهدات و مسئولیت‌ها عمل می‌کند و ماهیت اساسی چنین چارچوب‌های مشارکتی را در رفع چالش‌های زیست‌محیطی تأکید می‌کند. با توجه به این اصول، چنین برداشت می‌شود که اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی وضعیتی دوگانه دارد؛ یعنی ازطرفی نیازمند نقش فعال دولت است و ازطرف دیگر ضرورت دارد تا گروه‌های جامعه مدنی نیز بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. به همین سبب گفته شده است که مشارکت همه شهروندان بنیادی‌ترین مسئله در حل مسائل زیست‌محیطی است (بلیک و جم، ۱۳۸۸).

۳-۱-۲. امر به معروف و نهی از منکر؛ زمینه‌ساز ارتباط با محیط زیست

بنابر آنچه گفته شد، با توجه به اینکه حق بر محیط زیست به‌مثابه حقوق شهروندی محسوب می‌شود، امر به معروف و نهی از منکر هم جزء حقوق شهروندی

و امری ذاتی است و مناسب‌ترین راه برای تعالی جامعه و فرد حفظ حقوق شهروندی است. بنابراین هنجارشکنی‌های امروزه نشئت گرفته از نهادینه نشدن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه بوده که در تعارض آشکار با حقوق شهروندی است (بسیج، ۱۳۸۹). بر این اساس، شاید امروزه در جهان، بارزترین مصداق معروف و منکر بین بسیاری از جوامع، رعایت حقوق بشر باشد که نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز نهادهایی با ترویج حقوق بشر و جلوگیری از نقض آن ایجاد شده است (مشهدی و لسانی، ۱۳۹۷)؛ ازجمله ماده (۲۹) اعلامیه جهانی حقوق بشر که هرکس را در مقابل جامعه‌ای که رشد آزاد و کامل شخصیت او را میسر کند، دارای وظیفه می‌داند. ازاین‌رو، حق انسان بر زندگی در یک محیط سالم ایجاب می‌کند که او یا دولت با عوامل ناامنی، روحی و روانی مبارزه کند؛ ازاین‌رو بسیاری از نهادهای حقوق بشری کارویژه امر به معروف و نهی از منکر را دارا هستند (طلائی و اصلانی، ۱۳۹۴). در راستای تحقق اصل هشتم قانون اساسی و سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری، سازمان حفاظت محیط زیست و ستاد امر به معروف و نهی از منکر تفاهم‌نامه‌ای را با یکدیگر منعقد کردند و مطابق آن سازمان حفاظت محیط زیست، شورای امر به معروف و نهی از منکر را در بدنه سازمان ایجاد کرد و در پایگاه اینترنتی شورای فوق امکان ثبت‌نام آمران به معروف و ناهیان از منکر در زمینه مسائل زیست‌محیطی فراهم شده است. به‌طوری‌که بنابر اظهارنظر ریاست وقت سازمان حفاظت محیط زیست در ۲۱ مهرماه ۱۳۹۵ ارتقای سطح آگاهی نسبت به محیط زیست در جهت اطلاع‌رسانی به مردم، رفتار صحیح شخص آمر درخصوص حفظ مسائل زیست‌محیطی، تذکر به متخلفان و مجرمان تخریب‌کننده محیط زیست و درنهایت گزارش به مراجع عالی در آخرین مرحله از مراحل اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در عرصه حفاظت از محیط زیست قرار دارد (باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵).

یکی از نکات با اهمیت در قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر ماده (۸) است که چنین بیان می‌دارد: «مردم از حق دعوت به خیر، نصیحت، ارشاد در مورد عملکرد دولت برخوردارند و در چارچوب شرع و قوانین می‌توانند نسبت به

مقامات، مسئولین، مدیران و کارکنان تمامی اجزای حاکمیت و قوای سه‌گانه اعم از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی، نهادهای انقلاب اسلامی، نیروهای مسلح و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قوانین و مقررات عمومی نسبت به آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است، امر به معروف و نهی از منکر کنند». همچنین می‌توان به ماده (۱۶) قانون مذکور اشاره کرد که در بندهای پنجم «زمینه‌سازی جهت مشارکت همه‌جانبه آحاد مردم و دستگاه‌های اداری و رسانه‌های عمومی در امور مربوط به فریضه امر به معروف و نهی از منکر»، نهم «شناسایی ظرفیت‌ها و کمک به تشکیل جمعیت‌ها و تشکل‌های مردمی فعال» و دهم «حمایت همه‌جانبه از اقدامات قانونی آمران به معروف و ناهیان از منکر» به شناسایی ظرفیت تشکل‌های مردمی و حمایت همه‌جانبه از اقدام‌های قانونی آنها، پرداخته است.

علاوه بر این، از ذکر این نکته نباید غافل شد که فرهنگ‌سازی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، تربیت و بهره‌گیری از ضابطان و قضات متخصص در عرصه محیط زیست، تشکیل دادگاه‌های تخصصی در رسیدگی به دعاوی مربوطه و پذیرش سازمان‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد در طرح و پیگیری این دعاوی ضرورتی انکارناپذیر است. آنچه تاکنون در این بند به آن پرداختیم، تأکید بر حفاظت از محیط زیست به‌عنوان وظیفه و تکلیف عمومی در چارچوب اصول قانون اساسی و نیز ضرورت نقش مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد بود. در ادامه باید توجه داشت که علاوه بر به‌رسمیت شناختن حق مشارکت سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان «وظیفه عمومی»، به توجیه و تضمین آن در سطح رویه‌ای نیاز است. در این راستا در بند بعدی، به مبانی موجه تجلی مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با جرائم زیست‌محیطی پرداخته می‌شود.

۲-۲. تجلی محوریت سازمان‌های مردم‌نهاد در مبارزه با جرائم زیست‌محیطی

۲-۲-۱. اهمیت دادرسی سازمان‌های مردم‌نهاد در عینی‌سازی حق محیط زیست

در راستای تضمین نقش مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح رویه‌ای، باید مبانی حق دادخواهی را شناسایی کرد. منظور از حق دادخواهی این است که چنانچه حقوق و آزادی‌های اساسی شخص در معرض تهدید قرار گرفته یا به آنها تجاوز شود، می‌تواند از مراجع صلاحیت‌دار قانونی درخواست جبران خسارت وارده را کرده و مراجع مذکور بی‌غرضانه و در کمال استقلال در یک دادرسی عادلانه به ادعای وی رسیدگی کرده و در صورت اثبات، رأی به جبران خسارت دهند (موزن‌زادگان، ۱۳۷۷: ۱۳۶-۱۳۳).

یکی از اساسی‌ترین حقوقی که برای سازمان‌های مردم‌نهاد و سمن‌ها در نظام حقوقی ایران در بند «ح»^۱ ماده (۲۹) «آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد» شناسایی شده، حق دادخواهی در مراجع قضایی است. درخصوص مسئله حق دادخواهی، اصل سی‌وچهارم قانون اساسی اشعار می‌دارد: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این‌گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». ریشه این اصل از اصول قانونی را باید در ماده (۸) اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲ جستجو کرد. توجه به واژگانی چون «هر فرد»، «هرکس»، «همه افراد ملت» و «هیچ‌کس» در قانون اساسی این امر را به ذهن متبادر می‌کند که مبنای حقوقی برای حضور سازمان‌های مردم‌نهاد نیز در دادرسی‌ها وجود دارد؛ ضمن آنکه در اصول دیگر^۳ این قانون و به

۱. بند «ح» ماده (۲۹) آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد: «تشکل‌ها پس از دریافت پروانه فعالیت و ثبت آن، از حقوق زیر برخوردار می‌شوند: «ح - دادخواهی در مراجع قضایی، مطابق قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین مربوط». ۲. «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به‌وسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هرکس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد». ۳. مطابق اصل نودم قانون اساسی: «هرکس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند

عناوین مختلف، این امر شناسایی شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰). درنهایت مشارکت حقوقی و قانونی تشکلهای مردمی را در مرحله دادرسی جهت ایفای نقش و مشارکت در دفاع از بزه‌دیدگان جرائم زیست‌محیطی می‌توان در سه کارکرد تصور کرد (غمامی، کدخدا مرادی و درخشان، ۱۳۹۷) که عبارتند از:

۱. مشارکت سمن به‌عنوان «دوست دادگاه»^۱ (Shelton, 1994: 611-616);

(Ascension, 2000: 897-929)

۲. مشارکت سمن به‌عنوان «مشاور قربانی»^۲;

۳. مشارکت سمن به‌عنوان «شاکی» یا «اعلام‌کننده جرم»^۳.

از میان سه کارکرد مزبور تنها نقش سمن‌ها به‌عنوان اعلام‌کننده جرم در نظام حقوقی ایران به رسمیت شناخته می‌شود. بنابراین، استفاده از نهاد «یار یا دوست دادگاه» زمینه مشارکت آنها را در قالب نهاد یا دوست دادگاه مشخص می‌کند که معمولاً برای دفاع از منافع عامه مناسب می‌دانند؛ و از این منظر سازمان‌های مردم‌نهاد دارای یک وضعیت ویژه هستند و قادرند براساس منافع عامه یا دفاع از قربانی نقض حقوق بشر وارد عمل شوند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۶).

شایان ذکر است، ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری^۴ مصوب ۱۳۹۲ (اصلاحی

شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند. مجلس موظف است به این شکایات رسیدگی کند و پاسخ کافی دهد و در مواردی که شکایت به قوه مجریه و یا قوه قضائیه مربوط است رسیدگی و پاسخ کافی از آنها بخواهد و در مدت متناسب نتیجه را اعلام نماید و در موردی که مربوط به عموم باشد به اطلاع عامه برساند.

۱. دوست یا یار دادگاه (Amicus Curiae) نه طرف دعوا تلقی می‌شود و نه ثالث. مرجع رسیدگی‌کننده با توجه به صلاحیت، تجربه و تخصصی که فرد یا گروهی از افراد دارند، از آنها دعوت می‌کند تا نظرات خود را به‌صورت کتبی یا شفاهی در اختیار آن مرجع گذارند. در صورتی که اساسنامه یا قواعد آیین دادرسی مرجع رسیدگی‌کننده چنین امری را پیش‌بینی کرده باشد، سازمان‌های غیردولتی می‌توانند به سهولت در این مراجع حضور یابند. مراجع حقوق بشری مانند دیوان اروپایی حقوق بشر، نحلی مناسب برای ارسال گزارش‌های این سازمان‌ها است.

2. Consulting Victim

3. Crime Reporter

۴. این لایحه مصوب جلسه نوزدهم بهمن ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی است که براساس اصل هشتادوپنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب آن به کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی واگذار شده است. در این جلسه با اجرای آزمایشی لایحه جدید آیین دادرسی کیفری به مدت سه سال موافقت گردید. این لایحه در تاریخ سوم اسفند ۱۳۹۰ به شورای نگهبان ارسال شده است؛ ازسوی این شورا ایرادهای بسیاری بر برخی مواد لایحه

۱۳۹۴/۳/۲۴)، بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند». ملاحظه می‌شود که این ماده حق اعلام جرم برای سازمان‌ها و انجمن‌های زیست‌محیطی را پیش‌بینی کرده و حتی حق شرکت در تمامی مراحل دادرسی را هم به آنها داده است. بدیهی است اعلام جرم ازسوی سازمان‌های مردم‌نهاد مشمول شرایط و محدودیت‌های مقرر در ماده (۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری نیست (ناجی زواره، ۱۴۰۱: ۹۱).

همچنین، در تحولی بسیار مثبت و روبه‌جلو، قانون جدید دیوان عدالت اداری مصوب ۱۴۰۲ در تبصره «۲» ماده «۱۷» چنین بیان می‌دارد: «سازمان‌های مردم‌نهادی که موضوع فعالیت آنها طبق اساسنامه مربوط، در زمینه حمایت از حقوق عامه از قبیل امر به معروف و نهی از منکر و موضوعات محیط زیستی، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند درخصوص موضوعات تخصصی مرتبط با فعالیت‌شان، نسبت به غیرقانونی بودن تصمیمات و اقدامات یا خودداری از انجام وظیفه مقامات و مراجع موضوع ماده (۱۰) این قانون که متضمن تضییع حقوق عمومی است در دیوان طرح شکایت کنند و حق تجدیدنظرخواهی دارند». چنانچه ملاحظه می‌شود، در این تبصره جایگاه ویژه‌ای را برای سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف به‌ویژه محیط زیست به رسمیت شناخته و آنها می‌توانند در راستای مشارکت فعالانه و هدفمند مردمی، ایفای وظیفه کرده و مطالبات خود را در قالب دعوای اداری، در دیوان عدالت اداری مطرح کنند.

۲-۲-۲. جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مقررات کیفری ایران

محیط زیست از جمله حوزه‌هایی است که به ضرورت داشتن یک ارتباط نزدیک بین دولت و سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی احساس می‌شود. گستردگی و وابستگی متقابل بین عناصر زیست‌محیطی، دولت‌ها را بر آن داشته تا آنجاکه ممکن است از دستاوردهای کمک سازمان‌های مردم‌نهاد برای حفظ محیط زیست استعانت جویند (میرخلیلی، ۱۳۸۸: ۸۵). در این خصوص باید توجه داشت که تشکلهای مردم‌نهاد یا سازمان‌های غیردولتی،^۱ ابزارهای قدرتمند و مؤثری برای تحقق اهداف یک سیاست جنایی کارآمد محسوب می‌شوند. این تشکلهای که به‌طور گسترده به‌عنوان نگهبانان و چشمان بیدار جامعه مدنی محسوب می‌شوند، می‌توانند با همکاری به‌موقع با نهادهای نظارتی در طول فرایند قضایی از جمله کشف و اعلام جرم و طرح و پیگیری دعاوی در مراحل مختلف دادرسی، در تحقق و نهادینه شدن یکی از اصول مهم حقوق محیط زیست، یعنی اصل مشارکت و همکاری^۲ که ناظر بر ضرورت همکاری جهت حفظ محیط زیست است (کیس، سند و لانگ، ۱۳۹۲، ج ۱: ۷۵-۷۲)، نقش بسزایی ایفا کنند. درخصوص جایگاه تشکلهای مردم‌نهاد در مقررات کیفری ایران، اگرچه در قوانین آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰ و ۱۳۷۸، از ظرفیت‌های این سازمان‌ها برای مشارکت در فرایند کیفری، استفاده نشده و آنان را همانند سایر شهروندان عادی صرفاً دارای حق اعلام جرم دانسته بود. تا آنکه ماده (۶۶) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در جهت حمایت از بزه‌دیده و مشارکت دادن سازمان‌های مردم‌نهاد، به تصویب رسید (پوربافرانی و همتی، ۱۳۹۴). براساس مفاد متن اولیه این ماده، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در زمینه حمایت از محیط زیست، علاوه بر حق اعلام جرم، حق معرفی نماینده برای حضور در دادسرا و دادگاه و دریافت اظهارنامه، حق اظهارنظر و ارائه نظر در مرجع قضایی را داشتند

1. Non Governmental Organization (N.G.O.)

۲. اصل مشارکت و همکاری که یکی از اصول پایه‌ای حقوق محیط زیست است در جهت همکاری برای نگهداری محیط زیست، موضوعی ضروری است (کیس، سند و لانگ، ۱۳۹۲: ۷۵-۷۲).

و در پایان نیز چنانچه از نتیجه رسیدگی راضی نبودند، می‌توانستند نسبت به رأی صادر شده اعتراض کنند. در نظر گرفتن همین میزان از اختیارات نیز تحولی در راستای مشارکت جامعه مدنی، جایگاه این سازمان‌ها را از یک اعلام‌کننده صرف به دنبال‌کننده فعال ارتقا داده بود (خالقی، ۱۳۹۳: ۷۱)، اما بنا بر تغییراتی که تحت عنوان اصلاحات در ۱۳۹۴/۳/۲۴ به این ماده وارد شد، حق سازمان‌های مردم‌نهاد برای مشارکت صرفاً محدود به حق شرکت در جلسات (بدون حق اظهارنظر یا اعتراض به رأی) شده است، بنابراین نهایت کاری که سمن‌ها می‌توانند در راستای اعمال حق دادخواهی تصریح شده در اصل سی‌وچهارم قانون اساسی انجام دهند، آن است که صرفاً اعلام جرم کنند نه شکایت و حق شرکت در مراجع قضایی جهت اقامه دلیل و اعتراض به آرای مراجع قضایی نیز از سمن‌ها سلب شده است. البته همین اختیار هم منحصر به موارد رضایت بزه‌دیده خاص و با لحاظ موارد ممنوعیت علنی بودن جلسات رسیدگی است.^۱ نتیجتاً تغییرات به‌عمل آمده در این خصوص، مفاد ماده (۶۶) را تا حد زیادی به یک مقرر تشریفاتی تبدیل کرده است که فاقد اثربخشی یا اصلاحی در وضع پیشین است (پورباقرانی و همتی، ۱۳۹۴) و نوعی عقب‌گرد زیان‌بار از حق دادخواهی محسوب می‌شود.

شاید یکی از بارزترین نمونه‌های عملی درخصوص طرح دعوای سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی مربوط به جنگل لویزان باشد. در این دعوای سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی در قالب یک شبکه منسجم در سال ۱۳۸۴ علیه معاونت فنی شهرداری تهران به‌دلیل تخریب این جنگل و قطع بیش از هشت هزار اصله درخت جنگلی آن به طرح دعوای اقدام کردند. طرح این دعوای منتهی به هیچ نتیجه عملی نشد و در این راستا یک خلاء قانونی را برای ما مشخص کرد که شناسایی یک وضعیت حقوقی مناسب جهت طرح دعوای این سازمان‌ها در حوزه محیط زیست

۱. تبصره «۴» ماده «۶۶» (الحاقی ۱۳۹۴/۳/۲۴): «اجرای این ماده با رعایت اصل یکصد و شصت و پنجم قانون اساسی است و در جرائم منافی عفت سازمان‌های مردم‌نهاد موضوع این ماده می‌توانند با رعایت ماده (۵۵۲) این قانون و تبصره‌های آن تنها اعلام جرم نموده و دلیل خود را به مراجع قضایی ارائه دهند و حق شرکت در جلسات را ندارند».

لازم و ضروری است که باید مورد توجه قانونگذار قرار گیرد. ولی به هر حال ذکر این نکته ضروری است که مرجع رسیدگی‌کننده دعوا را استماع کرد که این موضوع خود تحولی قابل توجه در حقوق ایران به‌شمار می‌آید (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۲).

۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سازمان‌های مردم‌نهاد به‌عنوان نهادهای واسطه به‌منظور ایجاد یک عزم عمومی، برای پیگیری موضوع‌های مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی، یک ظرفیت بی‌نظیر محسوب می‌شود که هریک از این افراد جامعه به‌عنوان شهروند در قالب تشکلهای زیست‌محیطی می‌توانند نظارت خود را در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر اعمال کنند و در صورت رویارویی با تخلفات زیست‌محیطی ازسوی بخش خصوصی و بخش عمومی، با ارشاد و اخطار و درنهایت ارائه گزارش و در صورت عدم اقدام به‌موقع آنها، می‌توانند علیه نهادهای دولتی و غیردولتی نسبت به اقامه دعوی زیست‌محیطی در مراجع قضایی اقدام کنند. در چارچوب دادرسی مربوط به مسائل زیست‌محیطی، اعطای اختیارات قانونی لازم به سازمان‌های غیردولتی است که آنها را قادر می‌سازد به‌طور رسمی موارد جرائم زیست‌محیطی را شناسایی و اعلام کنند و در همه مراحل رسیدگی به جرم و درنهایت «اعتراض به آرای محاکم» دارای اختیار باشند. این توانمندی تحولی عمده است که یک هدف دوگانه دارد: از یک طرف، هدف آن رفع خلأهای موجود در نظام حقوقی ایران است و ازسوی دیگر، مشارکت معنادار این سازمان‌ها را در اجرا و پایبندی به مقررات و استانداردهای زیست‌محیطی تقویت می‌کند و درنتیجه به حکمرانی مؤثرتر هنجارهای زیست‌محیطی منجر می‌شود.

علاوه بر این، به‌منظور تحقق مشارکت قابل توجه و مؤثر چنین نهادهایی در روند عدالت کیفری، گسترش دامنه سرپرستی در حفاظت از محیط زیست بسیار مهم است و از یک مدل کاملاً دولتی‌محور، به مدلی تغییر داده که بازیگران غیردولتی به‌عنوان متولیان زیست‌محیطی شناخته می‌شوند و درنتیجه رویکردی جامع‌تر برای حفاظت از محیط زیست تضمین خواهد شد. در زمینه مشارکت سازمان‌های

مردم‌نهاد زیست‌محیطی لازم است حاکمیت، مشارکت جدی سمن‌ها را در جامعه برای حل مشکلات زیست‌محیطی پذیرا باشد. در همین راستا در نظام حقوقی ایران برای سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، نقش قضایی (حق اعلام جرم) پیش‌بینی شده است.

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، آنچه بیشتر از همه در پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی می‌تواند مؤثر باشد، ایجاد بستری مناسب برای مشارکت عموم در امر حفاظت از محیط زیست در قالب سازمان‌های غیردولتی است؛ محور اساسی اصل مشارکت زیست‌محیطی معطوف به بازیگران غیردولتی است زیرا بدون دخالت ایشان عملاً این اصل مفهوم خود را از دست خواهد داد و تحقق این مشارکت، مستلزم دسترسی آزاد به اطلاعات زیست‌محیطی، مشارکت عموم مردم در فرایند تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری، دادرسی و عدالت زیست‌محیطی است. مشارکت این سازمان‌ها در فرایند توسل به مراجع قضایی نیز حائز اهمیت است زیرا این سازمان‌ها غالباً به‌عنوان مدافعان واقعی محیط زیست در مراحل مختلف دادرسی، اعم از اینکه مستقیماً یا با واسطه طرف دعوا باشند، ظاهر می‌شود. فعال‌سازی و مشارکت این نهادها در تحقق هدف اصلی اصل پنجاهم قانون اساسی (حفاظت از محیط زیست) مؤثر و می‌تواند نویدبخش به زمام‌داری زیست‌محیطی و مردم‌سالاری مشارکتی باشد. علاوه بر این، عمده‌ترین و مهم‌ترین عامل در تحقق اهداف زیست‌محیطی، حمایت‌های قانونی و تقویت نهادها و تشکل‌های مردمی، به‌کارگیری ظرفیت‌های اجتماعی از طریق بسیج افکار عمومی، ایجاد احساس مسئولیت نسبت به فجایع زیست‌محیطی، تقویت روحیه پرسشگری در شهروندان و ترغیب آنان به پیگیری مطالبات و حقوق خود در داشتن محیط زیستی سالم در مقابله با آلاینده‌های محیط زیست؛ مشارکت آحاد اجتماع در پیشگیری از جرائم زیست‌محیطی و توسعه فرهنگ سبز و حمایت از محیط زیست است. همچنین، تقویت و کارآمدسازی سیاست‌های تمرکززدایی، باعث ارتقای کیفیت محیط زیست شهروندان می‌شود حال آنکه به‌طور کلی می‌توان گفت برخلاف اسناد بالادستی، جایگاه مدیریت نهادهای

محلی به‌طرز محسوسی تنزل یافته است، از دولت انتظار می‌رود در راستای مدیریت مشارکتی سازمان‌های مردم‌نهاد، وظایف تصدی خود را در امور محیط زیستی واگذار کند و با احیای قابلیت‌های محلی و ظرفیت‌ها، مشارکت مردم را ارتقا بخشد.

منابع و مآخذ

۱. احمدی تنکابنی، مهدی، نادر شیخ‌الاسلامی کندلوسی و مسعود احمدی (۱۴۰۱). «تحلیل محتوای کیفی عوامل مؤثر بر خطمشی‌گذاری عمومی در حوزه محیط زیست»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌ونهم، ش ۱۱۱.
۲. اداره کل قوانین مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۱). صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ اول، تهران.
۳. افتخار جهرمی، گودرز (۱۳۸۲). «حق بر محیط زیست با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست‌محیطی»، تهران، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، <https://fa.wikifeqh.ir/>
۴. امیرارجمند، اردشیر (۱۳۷۳). «حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین‌المللی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۵، <https://ensani.ir/fa/article/213452>
۵. باشگاه خبرنگاران جوان (۱۳۹۵). «پویش‌های محیط زیستی شکل مدرن امر به معروف و نهی از منکر است»، کد خبر: ۵۸۱۵۵۷۰ <https://yjc.ir>
۶. برومند، حسام‌الدین (۱۳۸۸). «یادداشت روز»، روزنامه کیهان، شماره ۳۴۲۱.
۷. بسیج، احمدرضا (۱۳۸۹). «امر به معروف و نهی از منکر و حقوق شهروندی»، مجله معرفت، سال نوزدهم، ش ۱۵۱. <https://ensani.ir/fa/article/224058>
۸. بلیک، الیزابت و فرهاد جم (۱۳۸۸). «دمکراسی زیست‌محیطی برای حفاظت از محیط زیست در حقوق بین‌الملل»، مجله راهبرد، سال هجدهم، ش ۵۰. <https://ensani.ir/fa/article/130691>
۹. پارسا، علی‌رضا (۱۳۷۷). «محیط زیست و حقوق بشر»، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۳۶ - ۱۳۵. <https://ensani.ir/fa/article/journal-number/16030>
۱۰. پایگاه الکترونیکی شورای نگهبان: <http://www.shora-gc.ir>
۱۱. پرهیزکار، اکبر و علی فیروزبخت (۱۳۹۰). «چشم‌انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری»، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ششم، ش ۳۲.
- <https://www.sid.ir/paper/116189/fa>
۱۲. پوربافرانی، حسن و مرضیه همتی (۱۳۹۵). «نقد سیاست کیفری ایران در قبال جرائم زیست‌محیطی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال بیست‌وسوم، ش ۸۷. <https://ensani.ir/fa/article/427094>
۱۳. تقی‌زاده انصاری، مصطفی (۱۳۷۴). حقوق محیط زیست در ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. جلالی، محمد (۱۳۹۱). «اصول تحدیدکننده تمرکززدایی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد مقایسه‌ای با جمهوری فرانسه»، مجله تحقیقات حقوقی (دانشگاه شهید بهشتی)، ش ۵۱.
۱۵. ——— (۱۳۹۴). «اصول کلی راهنمای تمرکززدایی در حقوق فرانسه و مقایسه آن با حقوق ایران»،

- فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هفدهم، ش ۴۷.
۱۶. جم، فرهاد (۱۳۸۷). «دسترسی به عدالت زیست‌محیطی: کاوشی در نظریه سمت و طرح دعاوی منفعت عمومی در ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه حقوق اساسی، سال هفتم، ش ۹.
<https://ensani.ir/fa/article/5122>
۱۷. جمالی، نسیم و بهمن خسروی‌پور (۱۳۹۵). «نقش جوامع محلی در حفاظت از محیط زیست در راستای دستیابی به توسعه پایدار»، دومین همایش ملی مکانیزاسیون و فناوری‌های نوین در کشاورزی.
<https://civilica.com/doc/533540>
۱۸. حبیبی مجنده، محمد (۱۳۸۴). «آیا حقوق بشری وجود دارد؟»، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حقوق بشر (مبانی نظری حقوق بشر)، قم، دانشگاه مفید.
۱۹. خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش.
۲۰. دولت‌آبادی، حسن (۱۳۸۲). فرهنگ محیط زیست انگلیسی - فارسی، تهران، فرهنگ معاصر.
۲۱. رضایی، مهدی و محمدمهدی رضوانی‌فر (۱۳۹۸). «سیاست‌گذاری عمومی و مسئله حق بر محیط زیست سالم در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، ش ۲۰.
۲۲. رضوانی‌فر، محمدمهدی (۱۳۹۳). مقدمه‌ای بر سیاست‌گذاری زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران، تهران، انتشارات مجد.
۲۳. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). «پیشگیری و سرکوب جرائم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۵.
۲۴. _____ (۱۳۹۲). «حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۶۳.
۲۵. _____ (۱۳۹۶). «حضور سازمان‌های مردم‌نهاد در فرایند کیفری در پرتو قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۹۹.
۲۶. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین و جواد جوادمنش (۱۳۹۵). «مطالعه تطبیقی گستره مفهوم ذی‌نفع در اقامه دعاوی زیست‌محیطی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، ش ۴.
۲۷. رضانی قوام‌آبادی، محمدحسین، اسداله یاوری و مریم احمدی (۱۳۹۸). «چالش‌های نظام حقوقی مدیریت یکپارچه شهری در ایران، با تأکید بر تمرکززدایی و توسعه پایدار شهری»، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال نهم، ش ۴.
۲۸. رهامی، روح‌اله (۱۳۹۳). امنیت انسانی و دولت، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
۲۹. زرشگی، محمد و محمد جلالی (۱۳۹۶). «تراکم‌زدایی حقوقی - اداری از تهران در پرتو اصول قانون

اساسی»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال هجدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۶). <https://civilica.com/doc/835558>

۳۰. سعیدی، عباس (۱۳۸۷). «تمرکزگرایی»، در دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، تهران، بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

۳۱. شیلتون، دینا و الکساندر کیس (۱۳۸۹). کتابچه قضایی حقوق محیط زیست، ترجمه محسن عبداللهی، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.

۳۲. طلائی، اکبر و فیروز اصلانی (۱۳۹۴). «بازخوانی مبانی حقوقی امر به معروف و نهی از منکر با نگاهی به حقوق بشر معاصر»، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره ۱۲، ش ۴۷.

۳۳. غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، نشر نزدیک.

۳۴. غمامی، سیدمحمد مهدی، کمال کدخدا مرادی و داور درخشان (۱۳۹۷). «تعهدات حمایتی دولت در قبال سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی در نظام حقوقی ایران»، دو فصلنامه حقوق اسلامی، سال نوزدهم، ش دوم (پیاپی ۴۸).

۳۵. فریادی، مسعود (۱۳۹۵). «مبنای اکولوژیک اصل عمومی بودن وظیفه حفاظت محیط زیست»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۷۸.

۳۶. _____ (۱۳۹۷). «آسیب‌شناسی همکاری میان‌سازمانی در حفاظت محیط زیست در حقوق اداری ایران»، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، ش ۱۶.

۳۷. فیروزی، مهدی (۱۳۸۴). حق بر محیط زیست، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.

۳۸. قاسمی، ناصر (۱۳۸۴). حقوق کیفری محیط زیست (مطالعه تطبیقی) در حقوق ملی و بین‌المللی، چاپ دوم، تهران، انتشارات جمال الحق.

۳۹. کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲). «سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری)»، مجله پژوهش حقوق کیفری، ش ۴.

۴۰. کوهکن، علیرضا (۱۳۸۸). «بررسی نقش و کارکردهای سازمان‌های غیردولتی و بین‌المللی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

<https://search.isc.ac/dl/search/defaultta.aspx?DTC=19&DC=9860>

۴۱. کیال، مهسا و مهنوش کیال (۱۳۸۳). «حقوق محیط زیست در منظر قانون اساسی»، مجموعه مقالات نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، انتشارات برگ زیتون.

۴۲. کیس، الکساندر، پیترو سند و لانگ وینفراید (۱۳۹۲). حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴۳. کی‌نیا، مهدی (۱۳۷۵). «مصاحبه با مجله راه عدالت»، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۳-۴.

۴۴. گروه صلح کرسی حقوق بشر، صلح و دموکراسی یونسکو دانشگاه شهید بهشتی (۱۳۸۹). حقوق زیست‌محیطی بشر، تهران، نشر دادگستر.
۴۵. گسن، ریموند (۱۳۷۰). جرم‌شناسی کاربردی، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات علامه طباطبایی.
۴۶. گل‌محمدی، ساره و آرش یوسفی (۱۳۸۸). «نقش و مشارکت سازمان‌های مردم در توسعه حقوق محیط زیست»، نشریه انرژی/ایران، سال دهم، ش ۲۶.
۴۷. محمدی، حامد (۱۳۹۶). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری و مبارزه با جرائم حوزه محیط زیست»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
۴۸. محمودی، حسین و هادی ویسی (۱۳۸۴). «ترویج و آموزش محیط زیست رهیافتی در حفاظت از اصولی از محیط زیست»، فصلنامه علوم و محیط، دوره ۲، ش ۸.
۴۹. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). «طرح امر به معروف و نهی از منکر»، شماره گزارش ۱۰۶۵۱.
۵۰. مشهدی، علی (۱۳۹۰). «تحول حق بر محیط زیست در حقوق عمومی مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه»، پایان‌نامه دوره دکتری رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
۵۱. ----- (۱۳۹۵). «دولت و محیط زیست: از رویکردهای بدون دولت تا رویکردهای مشارکتی»، فصلنامه دولت‌پژوهی، دوره ۲، ش ۸.
۵۲. ----- (۱۳۹۲). حق بر محیط زیست سالم (الگوی ایرانی - فرانسوی)، تهران، نشر میزان.
۵۳. مشهدی، علی و سیدبهبزادی لسانی (۱۳۹۷). «حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) و سی‌وچهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال هشتم، ش ۲۱.
۵۴. مودن‌زادگان، حسن‌علی (۱۳۷۷). «حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۹.
۵۵. میرخلیلی، سیدمحمود (۱۳۸۸). پیشگیری وضعی از بزهکاری، با نگاهی به سیاست‌های جنایی اسلام، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات و فرهنگ اندیشه اسلامی.
۵۶. میرطاهری، عزت‌السادات (۱۳۸۷). «نقش سازمان‌های غیردولتی در حمایت و ارتقا هنجارهای زیست‌محیطی در حقوق ایران»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.
۵۷. ناجی زواره، مرتضی (۱۴۰۱). آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات خرسندی.
۵۸. ناصری، هادی (۱۳۹۲). «نقش شهروندان در حفاظت از محیط زیست»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۳۰۶۷.

۵۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۰). «تقریرات درس جرم‌شناسی (پیشگیری)»، تهیه و تنظیم : محمدعلی بابایی، <https://bayanbox.ir/view/4482708930638191216/6.pdf>
۶۰. نوری، جعفر (۱۳۷۲). فرهنگ جامع محیط زیست، بی‌جا.
۶۱. نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۲). «پیشگیری از بزهکاری در قانون اساسی ایران و لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، مجله حقوقی دادگستری، ش ۴۵.
۶۲. _____ (۱۳۸۳). «بزهکاری به عادت و پیشگیری از آن»، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۶۳. ویژه، محمدرضا (۱۳۸۵). «حق دسترسی به اطلاعات محیط زیست: بررسی حقوق بشر اروپایی»، مجله محیط‌شناسی، سال سی‌ودوم، ش ۴۰.
۶۴. هداوند، مهدی (۱۳۹۳). حقوق اداری تطبیقی، جلد دوم، چاپ چهارم، تهران، انتشارات سمت.
۶۵. همتی، مجتبی (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی ارکان و الزامات حکومت محلی در ایران و ژاپن»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره هشتم، ش ۲.

66. Ascencio, H. (2000). "L'amicus Curiae Devant Les Juridictions Internationales", *R.G.D.I.P.*, No. 4, Tome 10.
67. Beetham, David (1994). "Key Principles and Indices for a Democratic Audit", in David Beetham (Editor), *Defining and Measuring Democracy*, Sag Pub.
68. Bulkeley, H. and M. Betsill (2005). *Cities and Climate Change: Urban Sustainability and Global Environmental Governance*, Routledge, London and New York.
69. Chackawarika, B. (2011). "Challenges faced by NGOs in the Political Harsh Climate of Zimbabwe: Analysing the Effects on Sustainability and Promotion of Human Right", <https://hdl.handle.net/10037/3499>.
70. Dalmedico, A.D. and C. Buffet (2009). "Environmental NGOs in the Raising Debate of Climate Change", In: P. Marty and S. Devaux (Eds.) *Social Movements and Public Action: Lessons from Environmental Issues*, Available on: http://hal.archivesouvertes.fr/docs/00/50/30/72/PDF/2_Dahan_DalmedicoBuffet_2009_Environmental_NGOs.pdf.
71. Delisle, H. (2005). *The Role of NGOs in Global Health Research for Development*, Published: 21 February for Not-for-Profit Law, 3.
72. <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/946899>
73. <https://portals.iucn.org/library/sites/library/files/documents/EPLP-031-rev4.pdf>.
74. Ioan-Franca, Valeriu and Ana-Lucia Rîsteab (2015). "Popescub, Constanta. Ntegrated Urban Governance: A New Paradigm of Urban Economy", *Procedia Economics and Finance* 22.

75. Shelton, D. (1994). "The Participation of Nongovernmental Organizations in International Judicial Proceedings", *American Journal of International Law*, Vol. 88.